



اسم الله الرحمن الرحيم

مجموعه کتاب‌های کار علوی

عربی هفتم

منوسطه اول

مؤلف: فرزاد فنیبری

فهرست

٧

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ: هَذَا جَبَلٌ جَمِيلٌ. هَذِهِ صُورَةٌ جَمِيلَةٌ



٢٥

الدَّرْسُ الثَّانِي: هَلْ هَذِهِ شَجَرَةُ الْعِنَبِ؟ لَا: هَذِهِ شَجَرَةُ الرَّمَانِ



٤٨

الدَّرْسُ الثَّلَاثُ: كَيْفَ حَالِكِ؟ أَنَا بِخَيْرٍ وَ كَيْفَ أَنْتِ؟



٥٩

الدَّرْسُ الرَّابِعُ: أَيْنَ ذَهَبْتِ؟ ذَهَبْتُ إِلَى السُّوقِ



٧٥

الدَّرْسُ الْخَامِسُ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (الأنعام ١)



٨٦

الدَّرْسُ السَّادِسُ: «... ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ» (الروم ٥٨)



٩٨

الدَّرْسُ السَّابِعُ: «... فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ» (الرحمن ٦٨)



١١٠

الدَّرْسُ الثَّامِنُ: يَا مَنْ فِي الْبَحَارِ عَجَائِبُهُ





الدَّرْسُ التَّاسِعُ: ثَمَرَةُ الْعِلْمِ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ. امام علي (ع)

١٢٢

١٣٠

الدَّرْسُ الْعَاشِرُ: «... مِنْ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا» (باسين ٨٠)



ارزشيابي

١٣٨

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ



هَذَا جَبَلٌ جَمِيلٌ. هَذِهِ صُورَةٌ جَمِيلَةٌ

اهداف آموزشی

- ۱ شناخت کلمات جدید
- ۲ شناخت اسم‌های اشاره مفرد، مثنی و جمع برای دور و نزدیک
- ۳ آشنایی با نشانه‌های مفرد، مثنی و جمع «اسم»
- ۴ تشخیص اسم مذکر و مؤنث

الْمُعْجَم (واژه نامه)



أفت: آفت، آسیب	أمان: امنیت	أحياء: زندگان	أنتم: شما (مذکر)
أوسط: میانه ترین	أولئك: آنان، آن	إمرأة: زن	إمراة: مرد، انسان
أوسطها: میانه ترین آن‌ها	أمور: کارها	بلا: بون	بنت: دختر
بلك: آن (مؤنث)	تفكر ساعة: ساعتی فکر کردن	ثمر: میوه	جبل: کوه
جاهل: نادان	جالس: نشسته	جميل: زیبا	حسن: خوبی
خجر: سنگ	خديقة: باغ	خشب: چوب	خير: بهتر، بهترین
خير من: بهتر است از	دهر: روزگار	ذهب: طلا	ذلك: آن (مذکر)
زجل: مرد	رضا: رضایت	سبعين: هفتاد	سنة: سال
شجر، شجرة: درخت	صف: کلاس	صحة: تندرستی	صورة: عکس
صداقة: دوستی	صغير: خردسالی، کوچکی	صابر: صبور، صبرکننده	طالب: دانش آموز، دانشجو
طالب: خواستن	طبيب: پزشک	على: بر، روی	عليك: بر تو، به زیان تو
عبرة: پند	عالم: دانشمند	عداوة: دشمنی کردن	عند: نزد، کنار
فخر: افتخار	فريضة: واجب دینی	في: در، داخل	فانز: پرتده
فلاح: کشاورز	قرائن: خواندن	قيمة: ارزش، قیمت	ك: مانند
كنا: کت، بیت	كالشجر: مانند درخت	كبير: بزرگ	كُتب القصص: کتاب‌های داستان
كُرسى: صندلی	كُرسى خُشبى: دو صندلی چوبی	كلام: سخن	كنز: گنج
ل: برای	لك: پریت، به سود تو	لاعب: بازیکن	لُحمة: تالو
لهذا الصُف: این کلاس دارد (برای این کلاس هست)	مرأة: زن	مُجالسة: همنشینی	مُجالسة العلماء: هم‌نشینی با دانشمندان
مجهول: ناشناخته، گمنام	مُحبة: باحجاب	مرء: انسان، مرد	مسرور: خوشحال
ممتاز: ممتاز	من: از	مرثع: بلند	مفتاح: کلید
مكتبة: کتابخانه	موت: مرگ	مُجاهد: رزمنده	ناجح: موفق، پیروز
نسیان: فراموشی	نافذة: پنجره	نحن: ما	نعمتان مُجهولتان: دو نعمت ناشناخته هستند.
نظف: پاکیزه	ولد: پسر، فرزند	والدین: پدر و مادر	ورد، وردة: گل
واقف: ایستاده	هذا: این (مذکر)	هبة: این (مؤنث)	هاتان: این دو، این‌ها، این (اشاره به دو اسم مؤنث)
هذان: این دو، این‌ها، این (اشاره به دو اسم مذکر)	هم: ایشان، آن‌ها (مذکر)	هن: ایشان، آن‌ها (مؤنث)	هما: ایشان، آن دو، آنان (مذکر)

الدرس الأول: هذا جبل جميل. هذه صورة جميلة

هو: او (مذكر)	هي: او (مؤنث)	هؤلاء: ايتان، اين هه، اين	يوم: روز
هذه: هـ، هـ، او، او، آن	ذهبه: طلايش، طلاي او	ها: هـ، او، او، آن	

المتضادات (كلمه‌های متضاد)

امرأة (زن) ≠ إمرأ (مرد)، رَجُل (مرد)	أولئك (اتان، آن) ≠ هؤلاء (ايتان، اين)
صداقة (دوستي) ≠ عدوة (دشمني)	مرأة (زن) ≠ مَرء (مرد)
عَلِيك (به زبان تو) ≠ لَك (به سوډ تو)	هذا (اين برآي مؤنث) ≠ هذه (اين برآي مؤنث) (از نظر جنسيت)
بنت (دختر) ≠ وُلْد (پسر)	جالس (نشسته) ≠ واقف (ايستاده)
ذَلِكَ (آن) ≠ هذا (اين) (از نظر فاصله متضادند)	تِلْكَ (آن) ≠ هذه (اين) (از نظر فاصله متضادند)
عالم (دانا) ≠ جاهل (نادان)	تلك (آن برآي مؤنث) ≠ ذلك (آن برآي مذكر) (از نظر جنسيت)

المرادفات (كلمه‌های مترادف)

إمرأ = رَجُل = مَرء (مرد)	إمرأة = مَرءة (زن)
هذه = هذا (اين) (از نظر معنا مترادف هستند.)	تلك = تِلْكَ (آن) (از نظر معنا مترادف هستند.)

جموع التکسیر (جمع‌های مگسّر)

صَفَا (كلاس): صُفوف (كلاس‌ها)	رَجُل (مرد): رِجال (مردها، مردان)	شَجَر (درخت): أشجار (درختان)
وُلْد (بسر، فرزند): أولاد (پسران، فرزندان)	كَنْز (گنج): كُنوز (گنج‌ها)	طالِب (دانش‌آموز، دانشجو): طُلّاب (دانش‌آموزان، دانشجویان)
مِفْتَاح (كند): مَفاتيح (كليدها)	خَشَب (چوب): أخشاب (چوب‌ها)	يَوْم (روز): أيام (روزها)
خَدِيقَة (باغ): حَدائق (باغ‌ها)	خَي (زنده): أخياء (زندگان)	خَجَر (سنگ): أحجار (سنگ‌ها)
عَبْرَة (بند): عِبَر (بندها)	كَبِير: كبار	عالم: علماء
كُورسِي: كُراسِي (صنللی‌ها)	نَاقِذَة: نَوَاقِذ (پنجره‌ها)	امور: لَمور (کارها)

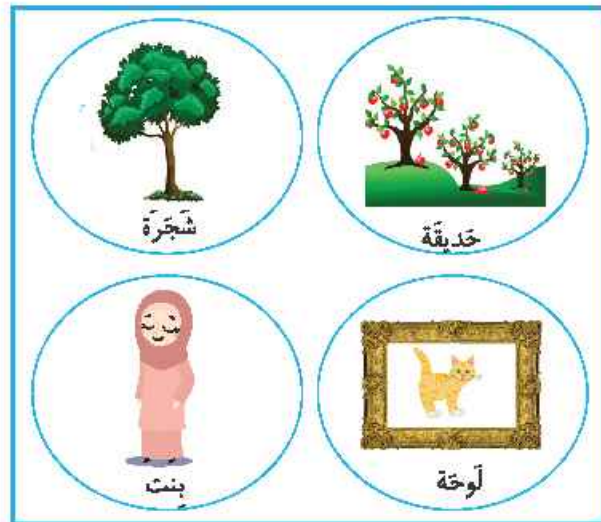
کارگاه آموزشی ۱

الف) اسم از نظر جنس

به تصویر و عنوان هر یک از آن‌ها توجه کنید.

ب) مذکر

الف) مؤنث



همان‌طور که شما هم متوجه شدید اسم‌ها را می‌توان از نظر جنس به دو دسته تقسیم کرد:

۱) «اسم مؤنث» ۲) «اسم مذکر»

منظور از اسم مؤنث همان اسم‌هایی است که در آخر آن‌ها اصولاً «ة» وجود دارد.

مثال: حَدِيقَة - نَافِذَة - شَجَرَة و ...

اما اسم مذکر نشانه خاصی ندارد و در واقع هر اسمی که مؤنث نباشد، مذکر است. مانند: رَجُل، صَف و ...

نکته: باید به یاد داشته باشیم که علامت اصلی اسم مؤنث «ة» می‌باشد، اما گاهی ممکن است برخی از اسم‌ها دارای چنین علامتی نباشند و ما آن‌ها را مؤنث لحاظ کنیم. مانند: بنت (دختر)

نکته: منظور از مؤنث یا مذکر بودن در زبان عربی، این نیست که همه مؤنث‌ها، زن یا جنس ماده هستند و همه مذکرها مرد یا جنس نر هستند، بلکه تقسیم‌بندی مذکر و مؤنث در اسم‌ها فقط از روی علامت ظاهری است. مثلاً «لَوْحَة» به معنای تابلو دارای «ة» (علامت مؤنث) است، اما زن و جنس ماده نیست و جبل به معنای کوه، مذکر است اما مرد و جنس نر نیست.

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ: هَذَا جَبَلٌ جَمِيلٌ. هَذِهِ صَوْرَةٌ جَمِيلَةٌ

ب) اسم اشاره

ما برای اشاره به انسان، شیء یا حیوان از اسم‌های اشاره استفاده می‌کنیم. حال، با توجه به مؤنث یا مذکر بودن و همچنین دور یا نزدیک بودن چیزی یا کسی که مورد اشاره ما می‌باشد اسم‌های اشاره مربوط به آن را به کار می‌بریم:



مذکر: هَذَا (این) هَذَا صَفٌّ



مؤنث: هَذِهِ (این) هَذِهِ طَبِيبَةٌ



مذکر: ذَلِكَ (آن) ذَلِكَ وَكَلْدٌ



مؤنث: تِلْكَ (آن) تِلْكَ بِنْتٌ

اشاره به نزدیک

اشاره به دور

اسم اشاره برای یک شیء، انسان یا حیوان

نکته: اسم‌های حروف الفبا در عربی: الف (همزه) - باء - تاء - ناء - جیم - حاء - خاء - دال - ذال - راء - زاء - سین - شین - صاد - ضاد - طاء - ظاء - عین - غین - فاء - قاف - کاف - لام - میم - نون - هاء - واو - یاء

نکته: حروف «گ، ج، ب، ز» (کج - بژ) در عربی نوشتاری (فصح) وجود ندارد؛ اما در عربی گفتاری، گاهی تلفظ می‌شوند.

مثال: اسم‌های مذکر و مؤنث را در جملات زیر مشخص کنید.

الف) ذَلِكَ الرَّجُلُ، شَاعِرٌ.

ب) مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ عِبَادَةٌ.

پاسخ: برای پاسخ به این سؤال باید به علامت مؤنث (ة) و نیز کلماتی که علی‌رغم نداشتن علامت مؤنث، مؤنث محسوب می‌شود توجه کرد.

اسم مذکر: ذَلِكَ الرَّجُلُ، شَاعِرٌ، الْعُلَمَاءُ

اسم مؤنث: مُجَالَسَةُ، عِبَادَةٌ

مثال: در جای خالی اسم اشاره مناسب قرار دهید.

١) الرَّجُلُ كَالجَبَلِ. هَذَا تِلْكَ

٢) الطَّالِبَةُ فِي الْمَدْرَسَةِ. هَذَا تِلْكَ

پاسخ: برای پاسخ به این سؤال باید به مذکر یا مؤنث بودن کلمه‌ای که در حال اشاره به آن هستیم توجه کنیم.

١) هَذَا الرَّجُلُ مَذْكَرٌ وَ اسْمُ اِشْرَافٍ مَرْبُوطٌ بِهٖ اَنْ، هَذَا مِی‌بَاشَد.

٢) تِلْكَ الطَّالِبَةُ مَوْثٌ وَ اسْمُ اِشْرَافٍ مَرْبُوطٌ بِهٖ اَنْ، تِلْكَ مِی‌بَاشَد.